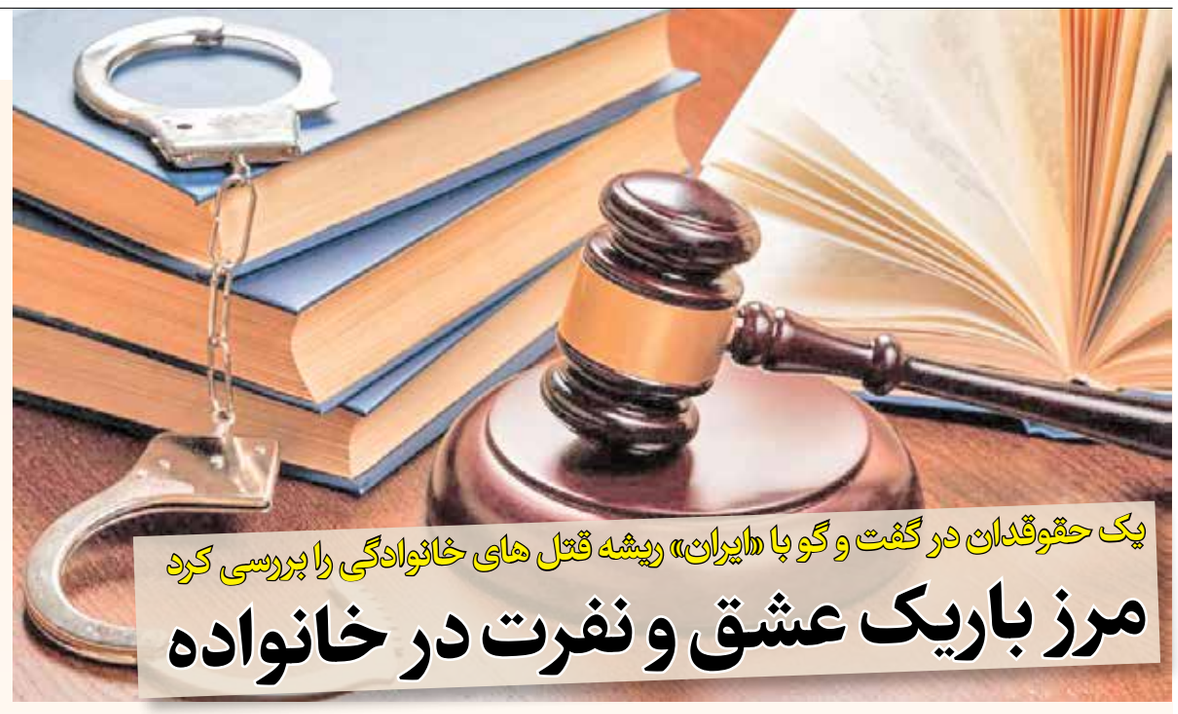

یک حقوقدان در گفت و گو با «ایران» ریشه قتل های خانوادگی را بررسی کرد

مرز باریک عشق و نفرت در خانواده

گروه حوادث/ فرناز قلعه دار: سال‌ها قضاوت در دادگاه های کیفری، خانواده و دادسرای جنایی او را با تاریک‌ترین و پیچیده‌ترین لایه‌های روابط انسانی روبه‌رو کرده است؛ از پرونده‌های هولناک قتل و فرزندکشی تا فروپاشی زندگی‌های مشترک، طلاق‌های پرتنش و زخم‌هایی که خیانت بر پیکر یک رابطه بر جا می‌گذارد. برای قاضی‌ای که سال‌ها با روایت‌های تلخ شاکیان، متهمان و خانواده‌های داغدار مواجه بوده، قتل فقط یک عنوان مجرمانه در پرونده نیست؛ بلکه نقطه پایانی بر زنجیره‌ای از تعارض‌ها، خشونت‌ها، ناکامی‌ها و روابط آسیب‌دیده‌ای است که پیش از وقوع جنایت شکل گرفته‌اند. او در این گفت‌وگو، با تکیه بر تجربه سالیان متمادی قضاوت، از پدیده فرزندکشی و پیچیدگی رابطه والدین و فرزندان می‌گوید؛ از مرزهای شکننده عاطفه و خشونت و عواملی که می‌توانند نزدیک‌ترین پیوندهای انسانی را به میدان تقابل تبدیل کنند. همچنین به سراغ خیانت زوجین و تأثیر آن بر زندگی خانوادگی می‌رود که به بحرانی عمیق در روابط انسانی تبدیل می‌شوند. در این گفت‌وگو پای صحبت های قاضی حسین اصغرزاده نشستیم تا بدانیم پشت درهای بسته خانه ها چه می‌گذرد که گاه به فجایعی جبران‌ناپذیر ختم می‌شود.

همانگونه که در اخبار رسانه‌ها و فضای مجازی می‌بینیم این روزها شاهد وقوع قتل های خانوادگی و به خصوص قتل زنان و دختران در شهرهای مختلف کشور هستیم که به یک دغدغه برای طیف گسترده‌ای از جامعه و خانواده‌ها تبدیل شده است و به نوعی هر کسی به دنبال ارائه راهکاری برای پیشگیری از این حوادث است. درهمین رابطه شما به عنوان یک حقوقدان و قاضی با تجربه علت این جنایت‌ها را در چه می‌دانید و چه راهکاری پیشنهاد می‌دهید؟

به نام خدای عدالت. با توجه به موردی که در چند روز گذشته در کرمانشاه رخ داد و دختری به نام سوگند قربانی و احساسات جامعه جریحه دار شد پرداختن به آن جای بحث زیادی دارد. بی‌تردید قتل یکی از بزرگترین جرایم جنایی در تمام قوانین کیفری کشورهای مختلف با تمام رژیم‌های حقوقی محسوب می‌شود و در تمام ادیان یکی از نکوهیده‌ترین اعمال انسانی، قتل است. دین مبین اسلام هم قصاص را که بالاترین مجازات است برای قاتل لحاظ کرده تا این جرم را به حداقل برساند. خداوند تعالی می‌فرماید کشتن یک انسان مانند کشتن تمام انسان هاست. جرم شناسان در تقسیم‌بندی قتل‌ها قالبی دارند به نام قتل‌های خانوادگی که همسرکشی و فرزندکشی و والدین کشی در این قالب است البته فرزند کشی و همسرکشی رتبه بالاتری از والدین کشی دارد. بی‌تردید قوی‌ترین حس غریزی عشق والدین به فرزند است. این حس در وجود موجودات زنده حتی حیوانات هم وجود دارد اما چه اتفاقی می‌افتد که با این حس و غریزه بسیار قوی یک پدر یا یک والدینی که متولد دهه‌های ۴۰ و ۵۰ هستند شاید هنجارشکنی تلقی شود و با رسومات آنها مخالف باشد اما به معنی بد، غلط یا اشتباه بودن آن رفتار نباشد. این روزها تغییرات خیلی سریع شکل می‌گیرد و نسل‌های قبل نمی‌توانند خودشان را با آن وفق دهند. تصور کنید وقتی بچه‌ها امروزه با والدین سفر می‌روند موسیقی‌ای که پدر در مسیر گوش می‌کند خوشایند فرزند نیست و موسیقی که فرزند می‌خواهد گوش کند برای پدر اصلاً مفهوم ندارد. همین اتفاق در رفت و آمد بچه‌ها، لباس پوشیدنشان و انتخاب دوستانشان هم رخ داده است.

آقای اصغرزاده با توجه به صحبت‌های شما آیا والدین باید خودشان را با بچه‌ها هماهنگ کنند یا بچه‌ها باید به خواسته‌های پدر و مادر احترام بگذارند؟

دقیقاً هر دو. پدر و مادر به لحاظ سنی با تجربه و پخته‌تر هستند و می‌گویند تربیت معمولاً از بالا به پایین است اما تکنولوژی امروزه این را تغییر داده است. امروز در برخی موارد بچه‌ها تحلیل و نگاه بهتری از پدر و مادر دارند اما در هر صورت مادر به این نتیجه می‌رسد که باید فرزندش را بکشد. آیا فرزند ناخلفی بوده؟ هنجار شکنی کرده؟ با اصول خانواده همراه و همسو نبوده؟ به طور قطع هیچ پدر و مادری با یک تخلف یا هنجار شکنی فرزند به این نقطه نمی‌رسد اما نکته مهم این است که ریشه این هنجارشکنی فرزند کجا بوده و مهم‌تر از آن اینکه آیا این هنجار شکنی استحقاق سلب حیات یا کشتن را به والدین می‌دهد؟ فرض کنید بچه معتاد شده، روابط غیر اخلاقی داشته به والدین بی‌حرمتی کرده اموال پدر و مادر را هدر داده است یا... هرچه باشد باید بدانیم بخشی از این نابهنجاری به تربیت او برمی‌گردد یعنی من پدر نتوانستم شرایطی ایجاد کنم که او هنجارشکن نشود. بخشی دیگر به شرایط اقتصادی جامعه، بخش دیگری به شیوه تربیتی در آموزش و پرورش، دانشگاه، وقایع سیاسی، اجتماعی، قضایی، حقوقی و هنری برمی‌گردد. هیچ انسانی از روز اول دلش نمی‌خواهد خطا کند اما در محیطی قرار می‌گیرد که او را به انحراف می‌کشاند. یک موضوع دیگر بحث خوبی و بدی است ما برخی از رفتارها را بسته به شرایط جامعه و فرهنگ و سنت خوب یا بد تلقی می‌کنیم. مثل اینکه اگر یک نوجوان کفش نارنجی بپوشد کسی نمی‌گوید بد است اما اگر یک مرد ۷۰ ساله با کت و شلوار رسمی کفش نارنجی بپوشد در خیابان همه به او نگاه می‌کنند. اینجا نمی‌توانیم بگوییم رنگ نارنجی بد است بلکه باید دید چه کسی با چه شرایط سنی، فرهنگی و زمانی و مکانی از آن استفاده می‌کند. می‌خواهم بگویم بعضی از رفتارهای نوجوانان و جوانان امروز ما برای نمی‌توان تجربه و سن را نادیده گرفت. یک پدر ۶۰ ساله قدرت تحلیل بهتری نسبت به ازدواج دارد تا پسر ۲۰ ساله‌اش و طبیعی است که من نباید از دختر ۱۵ ساله‌ام به اندازه یک زن ۴۵ ساله انتظار تجربه و آگاهی داشته باشم. یک موضوع مهم طبیعت، مخالفت در سنین پایین است. غرور جوانی یک اصطلاح خاص است. غرور جوانی یک انفجار انرژی درونی است که به هیچ عنوان قابل کنترل نیست مگر با کسب تجربه در طول زمان. انسان با گذشت زمان به قدری از صبوری می‌رسد که می‌تواند هیجاناتش را کنترل کند. جوان‌ها یک مقاومت عجیبی در مقابل نصیحت دارند. در فرهنگ ما نصیحت بد تعریف شده است. وقتی من پسرم را می‌خواهم نصیحت کنم گوش نمی‌دهد چون تعریف نصیحت در جامعه ما این است که من بیشتر از تو می‌فهمم و بچه‌ها هم می‌گویند من دیگر بزرگ شده‌ام و شعور دارم. یک تعریف زیبا از نصیحت داریم که می‌گوید نصیحت به این معنا نیست که من بیشتر از تو می‌فهمم نصیحت به این معناست که من بیشتر از تو خطا کردم و تاوانش را دادم حالا راجع به خطاهای خودم به تو می‌گویم که تو هم این خطا را تکرار نکنی و آن تاوان را نپردازی. اما می‌رسیم به آن بخشی که متأسفانه تبدیل می‌شود به فرزندکشی. وقتی که خانواده نمی‌تواند خودش را به همسان‌سازی با فرزند برساند فاصله بینشان زیاد می‌شود. برای حل این معضل سیستم آموزشی ما و صدا و سیما نتوانسته کاری انجام بدهد. از طرفی یک بچه امروز یک گوشی تلفن همراه می‌خواهد یک خواسته معمولی اما قیمت گوشی آنقدر بالاست که پدر نمی‌تواند برایش بخرد. بخشی از حل این معضل دیگر به پدر و بچه برنمی گردد وظیفه دولت و حاکمیت است که شرایطی فراهم کند که خانواده‌ها بتوانند نیازهای ضروری خود را فراهم کنند.

سوال من این است که آیا کشتن فرزند به هر دلیلی و لو هنجار شکن باشد مجوزی دارد؟

خیر. من می‌خواهم بگویم آنچه که باید در جامعه به خانواده‌ها تفهیم شود این است که هیچ‌کس مجاز به کشتن هیچ‌کس نیست امروز در خیلی از کشورهای جهان که با مجازات اعدام مخالفت می‌کنند به این درجه از علم حقوق رسیده‌اند که می‌گویند آفریننده بشر خداست. فقط خدا می‌تواند جان انسان را بگیرد اگر کسی قوانین را رعایت نکرد سلب آزادی می‌شود نه سلب حیات. در کشورهایی مثل ایران که مجازات قصاص و اعدام دارند هم این مجازات باید از سوی یک مرجع قانونی و قضایی با رسیدگی مقرراتی توسط افراد مجرب و طی یک تشریفات انجام شود یعنی اطمینان پیدا کنند که وی مستحق این مجازات است نه اینکه هر کسی از دیگری خوشش نیامد او را بکشد.

آیا قصاص نشدن پدر در قتل فرزند در حوادث فرزندکشی تأثیر دارد؟

بی‌تأثیر هم نیست. این ماده قانونی می‌گوید هم در قتل فرزند از سوی پدر قصاص منتفی می‌شود هم در خصوص سرقت اگر پدر اموال فرزندش را سرقت کند هم مجازات حد و قطعیت منتفی است. اما همان‌طور که امروز خیلی از احکام ثانویه قابل تغییر است این موضوع هم جای کار دارد. من فکر می‌کنم که یک بازنگری توسط متخصصین دانشگاهی و حوزوی باید انجام شود و آیات عظام در این مورد یک تفسیر و یک تغییری که با شرایط امروز جامعه تطابق دارد بیندیشند. من از حقوقدانان بزرگ و علما خواهش می‌کنم که این موضوع را بررسی کنند. آمار فرزند کشی در کشور ما قابل توجه است. وظیفه حکومت و جامعه این هست که نسبت به این موضوع عکس‌العمل نشان دهند.



عکس: حسین نقی زاده/ ایران

با توجه به اینکه شما چند سالی هم رئیس یکی از شعبه‌های دادگاه خانواده بودید مهم‌ترین علت اختلاف و طلاق بین زوجین چیست؟

من استنباط و استدلال خودم را می‌گویم و حتماً به معنای صحتش نیست ولی شرایط اقتصادی مهم‌ترین است. البته این به معنای فقر نیست بلکه ما مواردی داشتیم که خانم و آقا وضع مالی متوسط یا شاید هم خوبی داشتند اما برای طلاق می‌آمدند که این به زیاده خواهی و توقعات نابه‌جای اقتصادی و مالی برمی‌گردد. یک بحثی که حقیقت تلخی هم هست بحث خیانت‌ها و پایبند نبودن به اصول اخلاقی خانوادگی چه از طرف خانم‌ها چه از طرف آقایان است. سال‌ها قبل علت اصلی طلاق اعتیاد بود اما امروزه مسائل اقتصادی و اخلاقی حرف اول را در طلاق می‌زند.

حالا که به موضوع خیانت اشاره کردید باید گفت یکی از علت‌های اصلی قتل‌های خانوادگی هم همین خیانت است اما سؤال این است که چرا وقتی یک حق قانونی به نام طلاق وجود دارد زوجین به جای جدایی دست به قتل طرف مقابل می‌زنند؟

گفتم باید به مردم یاد داد هیچ‌کس در هیچ شرایطی مجوز کشتن دیگری را ندارد. در قانون فقط یک جا مرد مجاز به کشتن همسرش است که البته قبلاً نمی‌گفتند مجاز بلکه در قانون سابق می‌گفتند اگر کشت مسئولیتی ندارد اما متأسفانه در اصلاح قانون، ادبیات حقوقی استفاده نشد و به صراحت از کلمه مجاز استفاده کردند و آن هم این است که مردی همسرش را هنگام خیانت ببیند و بکشد در این صورت مسئولیتی ندارد. این حق هم فقط مال همان لحظه است نه اینکه بیاد بیرون و فردا همسرش را بکشد.

از سوی دیگر در خیلی از پرونده‌ها که مردی همسرش را کشته بعد معلوم شده که اصلاً خیانتی در کار نبوده است صرف اینکه به همسرت مشکوک باشی به رفت و آمدش مشکوک باشی او را با کسی در خیابان ببینی در رستوران ببینی هرچند این رفتار غیر اخلاقی و غیر قانونی است اما حق کشتن نداری. در حقوق اسلامی گفته شده مجازات باید با جرم متناسب باشد هر عمل ناهنجار و ضد اجتماعی و قانون شکنی یک مجازاتی دارد وقتی ما حقوقدان‌ها صحبت می‌کنیم که این مجازات متناسب نیست بعضی ایراد می‌گیرند که دارید عمل را توجیه می‌کنید نه ما می‌گوییم هر عمل یک تاوانی دارد اما مسئول اجرای آن همسر نیست. اگر از همسرت وفاداری نمی‌بینی یکی از بهترین راه‌ها طلاق است که هم ریشه شرعی دارد هم قانونی وقتی یک زوج نمی‌توانند کنار هم زندگی کنند قانون گفته طلاق بگیرید نه اینکه چون احساس کرده زنش خیانت کرده او را بکشد.

یک جدول با دو شرح جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید. **۹۱۸۷**

جدول عادی

افقی

۱- از لوازم آرایش خانم‌ها - کنایه از سست‌رأی
۲- قلمدان مدرسه - منزل بزرگ - مخفف از او
۳- پایه - مقابل «جزئی» - مجموعه اجزای سازنده - بوی کهنگی
۴- یرقان - غمگین، ناراحت - عمل باریدن
۵- پایتخت برنج ایران - مالک ده بود - بی‌بهره و نامراد
۶- پاشنه پا - نوعی بیماری عفونی - افسانه‌سرا
۷- میوه‌ای شبیه پرتقال - شهر استان سمنان - خدعه، مکر
۸- روی لولا می‌چرخد - از رویاهای دیرینه بشر - برکت برنج
۹- محل عبور و مرور - پدر حضرت ابراهیم(ع) - بی‌عقیده و بی‌ایمان
۱۰- غذایی با کدو - سنگ طلق - هم‌داستان «رامین»
۱۱- مربی مخصوص شاهزادگان را می‌گفتند - بوق - گمان
۱۲- پوشیده، مخفی - کشت به امید باران - روکش لباس
۱۳- کمربند طبی - کشور اروپایی - خرقه - کلام تردید
۱۴- نظرات - صدای بم - با تجربه و مجرب
۱۵- بسیار ماهر - کاخ مشهور فرانسه

عمودی

۱- گوشمالی و کیفر - کلینیک پزشکی
۲- تیم ایتالیایی - اتحادیه‌ای از شرکت‌ها - نقیض «سفت و سخت»
۳- موضوع آهنگ - دستگاه توزیع برق خودرو - اشاره به دور - نفس سوزناک
۴- زاپاس خودرو - شبگرد - عظمت، شکوه
۵- نارس - موادی که در مجرای آب ته‌نشین شود - کاغذ کپی
۶- سرزمین - رفتن با ناز - پیوند زناشویی
۷- دیروز - کم‌وزن - اولین سکه ایرانی - آسانی
۸- چاشنی عدسی و آش رشته
۹- پیشوند یک‌دهم - آشکار - بدون درنگ - سطح داخلی دست یا پا
۱۰- درون دوات - مضراب - فرمانروایان
۱۱- دوستان - کاشف گردش خون - چیدن غله
۱۲- وحشت - منع کردن - اشخاص آموزش دیده یا دارای تخصص لازم برای کار در یک سازمان معین
۱۳- زاییدن - دودل به همه چیز - ضایع و مفتضح - تصدیق فرنگی
۱۴- لایه محافظ زمین - هافبک فولاد خوزستان - آشکار
۱۵- مروت و فتوت - شرکت در کاری برای کمک به آن

جدول ویژه

افقی

۱- همه وجود آدمی - کارآگاه زن داستانی
۲- عنصر فلزی نقره‌فام - شهر استان آذربایجان غربی - امتحان لباس
۳- هالوژن نمک طعام - همراه «گداز» می‌آید - گلی زینتی - نشانه بیماری
۴- فیلم «ران هاوارد» - مته برقی - غنی
۵- شهرکی در رودهن - دیپلماتیک - نرم‌افزاری برروی چیپست مخصوص مادربرد رایانه
۶- چراگاه ایل - گیاه گونی بافی - از فلاسفه یونانی
۷- مغازه ای که در آن لباس و عطر فروخته شود - ماه وسط پاییز - مخفف بدتر
۸- تصدیق مازنی - قله ایرانی - ام‌الخبائث
۹- کاشف واکسن آبله - هیزم - شهر مجسمه شیر سنگی
۱۰- بی‌بیم شدن - شکل و پیکر - سرآغاز شکست
۱۱- بزرگ‌ترین تولید کننده اتومبیل‌های سفارشی و خاص در ژاپن - کجرو - مقعر
۱۲- دوستی - خطاب غیرمؤدبانه - اخبار انگلیسی
۱۳- گرداگرد لب - نویسنده - پدر - حرف تمسخر
۱۴- باستان - واحد پول «فیلیپین» - تعداد پیکسل‌های به کار رفته در نمایشگر
۱۵- یک نوع آش - شهری در مثلث

عمودی

۱- درخت تبریزی - فیلم رضا مقصودی
۲- از عناصر بی‌رنگ گازی - ملیح و جذاب - خطا
۳- زائوترسان - زنی که تازه زاییده - جانوری بدبو - جنس مذکر
۴- اجابت امر - بستن - عددی ترتیبی
۵- نام قدیم «توکیو» - کشمکش - شرکت خودروساز ایرانی
۶- نوعی کیک کوچک - تصفیه‌خانه بدن - خیاط
۷- کوزه سفالین - موسیقی خاص گیتار برقی و درامز - از تک‌سلولی‌ها - برنامه نرم‌افزاری ویدئو کنفرانس از راه دور
۸- خانواده‌ای از گیاهان که گلدار و دولپه‌ای و از راستهٔ گل مینا هستند
۹- درخت خرما - سفت و سخت - دیوار قلعه - بازو
۱۰- جمع ماده - زاری - بیماری قرن
۱۱- آبرسان عهد قدیم - قوه رشد - عددی ترتیبی
۱۲- شهر «افغانستان» - بانگ و صدای بلند - رنگ آسمان
۱۳- گفتاواژ - بازگشت - ورزش پُرشور برفی - حرف تعجب
۱۴- دور از مقصد - فیزیک‌دان هلندی - پونه صحرایی
۱۵- قسمتی در مغز - باقلوا

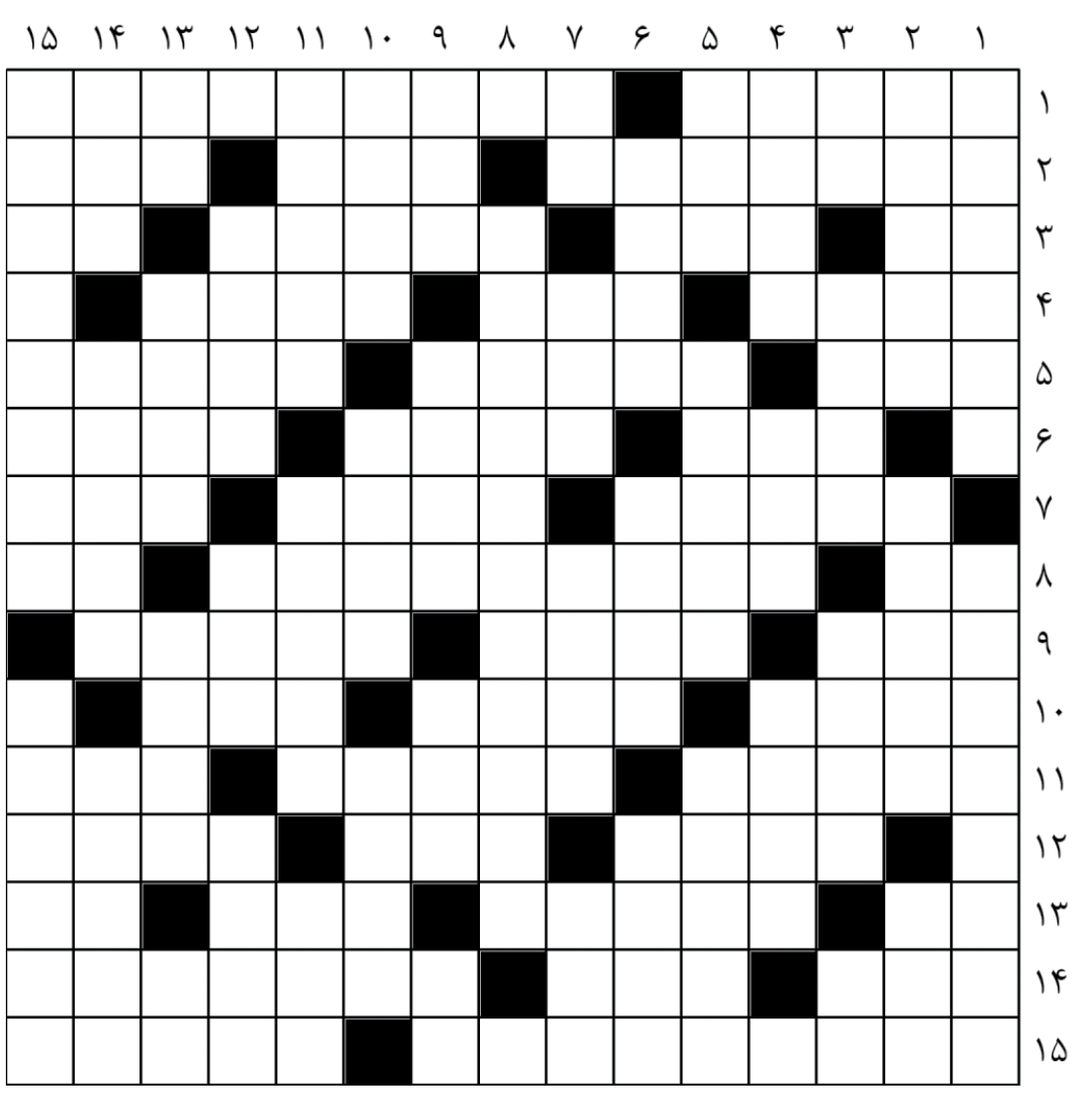

حل جدول عادی شماره ۹۱۸۶

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ع	ر	و	س	ک	گ	ر	د	ا	ن	ی	■	ر	ا	س
۲	ن	و	ک	ر	■	ن	ی	ا	ز	■	ک	ن	س	ر	ت
۳	ب	ن	ی	ا	د	■	ا	م	ر	ی	■	م	ا	ی	و
۴	ی	ا	ل	■	د	ل	■	ن	م	ا	د	■	ن	ا	ن
۵	ه	س	■	ت	ا	ی	پ	ه	■	ر	ی	ش	ه	■	ف
۶	■	■	ل	ب	س	و	ز	■	ب	ر	ز	ن	■	س	ق
۷	ب	ر	م	ل	ا	■	ع	ر	و	س	ی	■	ز	ی	ر
۸	ا	ف	س	ت	■	س	ا	م	ر	ی	■	ش	ی	ل	ا
۹	م	ر	ی	■	س	ی	ل	ی	س	■	ب	ا	ر	و	ت
۱۰	ب	م	■	چ	و	ل	ی	■	ی	ک	ا	ی	ک	■	■
۱۱	و	■	و	ز	ی	ن	■	م	ه	ش	ی	د	■	م	ک
۱۲	ب	ا	س	■	ا	د	ا	ت	■	ت	س	■	خ	ل	ا
۱۳	ا	م	و	ر	■	ر	ت	ب	ه	■	ت	د	ر	ی	س
۱۴	ف	ل	ا	س	ک	■	م	س	ر	ت	■	ر	ا	ک	ت
۱۵	ی	ا	س	■	ح	ل	ی	م	ب	ا	د	م	چ	ا	ن

حل جدول ویژه شماره ۹۱۸۶

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ا	ه	ن	گ	ر	و	س	ت	ا	ی	ی	■	س	ر	ک
۲	ی	ا	ر	و	■	ب	ا	ر	ش	■	ک	و	■	ر	و
۳	ک	ل	س	ی	م	■	ن	ا	ی	م	■	ک	ا	ت	ر
۴	ا	ت	ی	■	غ	ر	■	ک	ا	ت	د	■	ا	م	و
۵	ش	ر	■	د	م	ا	د	م	■	ع	ر	ا	■	ق	ش
۶	■	■	ا	ل	و	ن	ک	■	ق	ا	ر	چ	■	ژ	ن
۷	د	ش	ن	ا	م	■	ا	پ	و	ل	و	■	ا	و	ا
۸	ل	ا	ی	ک	■	ه	م	ر	ا	ی	■	ف	ه	ی	م
۹	م	ل	س	■	ب	ا	ت	و	ن	■	خ	ز	ا	ن	ه
۱۰	م	ی	■	د	ک	و	ر	■	ی	ک	چ	و	ر	■	■
۱۱	ی	■	ر	و	س	ا	■	پ	ن	ه	ا	ن	■	ت	ت
۱۲	خ	ل	ا	■	ل	ن	گ	ر	■	ن	ل	■	ن	و	ع
۱۳	و	ا	س	ط	■	ا	ز	ن	ا	■	ت	ق	ا	ض	ا
۱۴	ا	ب	ت	ی	ن	■	ا	د	ب	ا	■	و	س	ی	م
۱۵	د	د	ی	■	ک	ا	ف	ک	ا	د	ر	س	ا	ح	ل